

نشریه‌ی ادبیات پایداری

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال اول، شماره‌ی دوم، بهار ۱۳۸۹

بررسی جامعه‌شناختی گفتمان‌های شعر جنگ تحمیلی* (علمی-پژوهشی)

حسام ضیایی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

دکتر علی صفایی

استادیار دانشگاه گیلان

چکیده

بررسی تعامل بین ادبیات و جنگ تحمیلی، علاوه بر نشان دادن بسترهای اجتماعی و سیر تحول این تعامل، منتقدین ادبی را در درک بهتر آثار این دوره و شناخت رسالت ادبیات دفاع مقدس کمک می‌کند. در این مقاله سعی شده است با بررسی گفتمان شعر جنگ تحمیلی از منظر جامعه‌شناسی، نحوه‌ی انعکاس تحولات اجتماعی در شعر جنگ - حد فاصل سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ هجری شمسی - نمایان گردد. این بررسی حاکی از این است که گفتمان شعر دفاع مقدس را می‌توان به طور کلی به دو شاخه‌ی ایدئولوژیک و انسانی - انتقادی تقسیم کرد. در گفتمان ایدئولوژیک که خود بر اساس لحن کلام شاعر به انواعی نظیر شعاری - شورانگیز، حماسی - ملی، حماسی - عرفانی، نوستالوژیک و ... تقسیم می‌شود؛ آنچه بیش از هر چیز نمایان است؛ جایگاه ایدئولوژی انقلاب و ارزش‌های برآمده از آن در ذهن و زبان شاعر است. در حالی که در گفتمان انسانی - انتقادی بیشتر با نگاهی انسان‌شناسانه، فراملی و ساختارشکنانه نسبت به پدیده‌ی جنگ مواجه هستیم.

واژگان کلیدی

جنگ تحمیلی، گفتمان، شعر، جامعه‌شناسی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۸۹/۲/۲۵

نشانی پست الکترونیک نویسنده: ziaee.hesam@gmail.com

safaei45@yahoo.com

مقدمه

آثار هنری و از جمله ادبیات، به واسطه‌ی ظهور در بستری اجتماعی، می‌توانند به عنوان نوعی داده‌ی جامعه‌شناختی محسوب شده و شاخصی برای ارزیابی ارتباط بین پدیده‌های اجتماعی تلقی شوند. در حقیقت، نوعی کنش متقابل بین آثار هنری و پدیده‌های اجتماعی وجود دارد. از این رو می‌توان در بررسی یک مقطع زمانی خاص، انعکاس گفتمان‌های حاصل از پدیده‌های اجتماعی را در آثار هنری دوره‌ی مذکور جستجو کرد. بی‌تردید دوران هشت ساله‌ی دفاع مقدس به عنوان یکی از تاثیرگذارترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران، می‌تواند به عنوان بستری مناسب برای ظهور گفتمان‌های مختلف محسوب شود.

هدف از این مقاله، بررسی گفتمان‌های حاصل از جنگ تحمیلی و نحوه‌ی انعکاس این گفتمان‌ها در آثار شاعران مطرح دفاع مقدس نظیر امین پور، هراتی، سیمین بهبهانی، مردانی، عبدالملکیان، قزوه و... حد فاصل سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ هجری شمسی است. طبیعتاً بررسی تعامل میان گفتمان حاصل از دفاع مقدس و آثار منظوم خلق شده در فضای اجتماعی مورد نظر، علاوه بر نشان دادن چگونگی شکل‌گیری و سیر تحول این تعامل و شناسایی بسترهای اجتماعی و تحولات جامعه‌شناختی دوره‌ی هشت ساله‌ی مورد بحث، به درک بهتر آثار ادبی دفاع مقدس و روشن‌تر شدن رسالت ادبیات دوره‌ی مذکور کمک خواهد کرد.

معمولاً در بررسی ادبیات به عنوان پدیده‌ی اجتماعی، دو رویکرد عمده به چشم می‌خورد. یکی رویکرد بررسی اجتماعیات در ادبیات و دیگری رویکردی که بر اساس جامعه‌شناسی ادبیات پیش می‌رود. در بسیاری از آثار منتشر شده در این خصوص، معمولاً به بررسی اجتماعیات در ادبیات پرداخته شده است. در واقع، پژوهشگر سعی کرده است با بررسی آثار ادبی منتشر شده توسط شاعران یک دوره‌ی زمانی خاص، اشعاری را که نگاه و بار جامعه‌شناختی دارند، برجسته کند. به عنوان مثال، می‌توان از آثاری نظیر جامعه‌شناسی ادبیات اثر علی ترابی، اجتماعیات در ادبیات نوشته‌ی غلامرضا سلیم، سیاست و اجتماع در شعر مشروطه

اثر فاروق خرابی، سیمای جامعه در آثار عطار از سهیلا صارمی و جامعه‌شناسی در آثار سعدی نوشته‌ی زهرا معبودی نام برد.

اما در رویکردی که بر اساس نگاه جامعه‌شناختی به ادبیات پیش می‌رود، ابتدا پژوهشگر به بررسی تحولات اجتماعی دوره‌ی زمانی مورد نظر می‌پردازد و سپس، انعکاس این تحولات در آثار ادبی را جستجو می‌کند. در واقع، در این رویکرد، نقطه‌ی عزیمت تحقیق، جامعه‌شناسی است. در تحقیق پیش روی سعی شده است تا بر اساس رویکرد دوم به جامعه‌شناسی شعر دفاع مقدس پرداخته شود. از این رو ابتدا به بررسی گفتمان‌های حاصل از دفاع مقدس و تحولات جامعه‌شناختی برآمده از جنگ تحمیلی پرداخته خواهد شد.

بی‌تردید، برای بررسی گفتمان دفاع مقدس، باید این پدیده را از منظر جامعه‌شناسی جنگ مورد بررسی قرار داد. جامعه‌شناسان، جنگ را واکنش‌های سازمان یافته‌ی جمعی برای مقابله با دشمن می‌دانند. آن‌ها جنگ را یک انگیزه‌ی گروهی و افزاری سیاسی - اجتماعی تلقی می‌کنند (ر.ک آشفته تهرانی، ۱۳۷۸: ۲۲). وقتی جنگی به وقوع می‌پیوندد، در کمترین زمان، این ستیزه‌زویای متعددی به خود می‌گیرد و پای جنبه‌های مختلفی به آن گشوده می‌شود. زوایای اقتصادی، جمعیتی، سیاسی، فنی و علمی، روانی، اعتقادات و باورها، مذهب، اخلاق و... خواسته یا ناخواسته درگیر این پدیده‌ی انسانی می‌شوند. در حقیقت، این معیارهای مشترک انسانی هستند که سیمای جنگ و انگیزه‌های آن را به نمایش می‌گذارند و این انگیزه‌ها نیز خود، برآمده از اندیشه‌های دینی، مذهبی، آداب و رسوم فرهنگ قومی، افسانه‌ها و مکانیسم‌های دیگری است که سیر حرکت جامعه در قبال جنگ را سامان داده و هدایت می‌کنند.

در زمان وقوع جنگ، جامعه دچار یک سلسله تغییرات اجتناب‌ناپذیر می‌شود. به عنوان مثال، وحدت ملی و اتحاد در بین اقشار مختلف جامعه به طور ناخودآگاه بالا می‌رود. تبلیغات و دامنه‌ی آن رشد و اهمیت پیدا می‌کند، ارزش‌ها و نگرش اجتماعی به نیک و بد، دوست و دشمن و ... تغییر می‌کند. در این مرحله در بین افراد جامعه در خصوص نگاه به ارزش‌های دوگانه تفاوت‌هایی ایجاد می‌شود؛

به طوری که برخی از افراد، ارزش‌های سابق را ترجیح می‌دهند و برخی دیگر ارزش‌های مرحله‌ی جنگ و ارزش‌های تغییر یافته را می‌پسندند.

وقتی ارزش‌ها و مفاهیم دوره‌ی دفاع مقدس را بررسی می‌کنیم، نسبی بودن مفاهیم ارزشی و تاثیر پذیری مستقیم ارزش‌ها از مقتضیات جامعه نمایان می‌شود. به عنوان مثال، کشتن دشمن و تصرف اموال وی و توجه به منافع و جنبه‌های مثبت جنگ برای جامعه، مفاهیم و ارزش‌هایی است که طبیعتاً در حالت صلح چندان قابل توجه نیست؛ اما همین مفاهیم در شرایط جنگ، نه تنها توجه پذیر است، بلکه تبدیل به یک مفهوم ارزشی می‌شود.

البته کسانی هم هستند که با زاویه‌ی دید متفاوتی به پدیده‌ی جنگ می‌نگرند. در نظر دسته‌ی دوم، جنگ تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند یک نعمت تلقی شود. کشتن انسان‌ها به هر صورت ناخوشایند است و فکر ادامه‌ی جنگ آزار دهنده است. بنابراین، عکس‌العمل افراد جامعه نسبت به پدیده‌ی جنگ می‌تواند به شکل موافقت یا انتقاد (البته با میزان و طیف متفاوت) جلوه کند. طبیعتاً این دو برداشت مختلف در شعر دفاع مقدس نیز بازتاب داشته است و نگرش‌های متفاوتی را نسبت به پدیده‌ی جنگ ایجاد کرده است. در حالی که برخی از شاعران، دفاع مقدس را یک فرصت خدادادی و یک مائده‌ی آسمانی برای رشد و تعالی جامعه می‌دانند، برخی دیگر از شعرا با دیدی فراملی، نقادانه و به نوعی انسان‌شناسانه به این پدیده می‌نگرند. شاید بتوان گفت هر چه از سال‌های آغازین جنگ بیشتر فاصله می‌گیریم، تأمل و درنگ شاعران (همچون دیگر افراد جامعه) نسبت به جنگ و عواقب آن و ارزش‌ها و مفاهیم نشأت گرفته از آن بیشتر شده و از نسبی بودن نیک و بد در نظر آن‌ها بیشتر کاسته می‌شود. به عنوان مثال، وقتی اشعار قیصر امین پور بین سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۴ ه.ش را با اشعار او حد فاصل سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۶۷ ه.ش مقایسه می‌کنیم، این تأمل و درنگ و تغییر نگرش نسبت به جنگ کاملاً نمایان است.

شاید بتوان پدیده‌ی صلح طلبی را نیز برآمده از همین تفاوت در نگرش‌ها دانست. این پدیده یک واکنش روانی به جنگ است که معمولاً پس از بروز

جنگ در میان طبقاتی از جامعه ظهور می‌کند. البته جامعه‌شناسان نظریات صلح طلبانه در هنگام جنگ را به انواع مختلفی نظیر صلح طلبی مقدس، صلح طلبی میانه و صلح طلبی گستاخانه تقسیم کرده‌اند. شدیدترین حالت صلح طلبی، صلح طلبی گستاخانه است که فرد به معنای کامل کلمه با جنگ به مبارزه پرداخته و علاوه بر انکار تقدس برای پدیده‌ی جنگ، آن را به صورت کامل بی‌اعتبار جلوه داده و حتی تا جایی پیش می‌رود که ادبیات حماسی را نیز به چالش می‌کشد (ر.ک بوتول، ۱۳۷۰: ۱۲۷).

بحث ارزش‌های برآمده از جنگ در سطح جامعه نیز جزء مهم‌ترین مباحث جامعه‌شناسی جنگ محسوب می‌شود. این ارزش‌ها بنا بر معیارهای دینی، سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی جامعه ایجاد شده و رفتار جامعه در قبال جنگ را ساختار و جهت می‌دهد. این رفتار ممکن است به شکل فداکاری، ایثار و از خود گذشتگی، تحمّل مشقّات و سختی‌های ناشی از جنگ، نهراسیدن از دشمن، ضربه زدن و نابود کردن دشمن، اجرای تاکتیک‌های خاص و ... بروز کند. بنابراین، ارزش‌های جنگ بنا بر معیارهای خاصی تجلی پیدا کرده و معمولاً در صدد توجیه و تفهیم جنگ یا دفاع در برابر متجاوز و بیگانه هستند و همانطور که اشاره شد، این ارزش‌ها نسبی بوده و عکس‌العمل افراد مختلف جامعه به آن‌ها نیز نسبی است.

تغییر در مفهوم دوست و دشمن نیز جزء تغییرات اجتناب‌ناپذیر در مرحله‌ی جنگ است. به طوری که در این مرحله، در معنای دشمن تفاوت‌های اساسی ایجاد شده و دشمن به مرحله‌ی فرومایه‌ترین و خطرناک‌ترین فرد، تنزل می‌یابد. در این مرحله ما با دو جبهه‌ی خودی (درون گروه) و غیر خودی (برون گروه) مواجه هستیم و در این تقابل، جامعه‌ی خودی، دوست و دشمن را به طرز افراطی و اغراق آمیز از یکدیگر باز شناخته و آن‌ها را از هم تفکیک می‌کند. جامعه‌شناسان این پدیده را ثنویت روانشناختی نامیده‌اند (ر.ک. ادیبی سده، ۱۳۸۱: ۱۳۱).

۲- گفتمان‌های شعر جنگ تحمیلی

با توجه به نکاتی که اشاره شد، گفتمان حاصل از جنگ تحمیلی را می‌توان به دو شاخه‌ی کلی تقسیم کرد:

۱- گفتمان ایدئولوژیک ۲- گفتمان انسانی - انتقادی

۱-۲- گفتمان ایدئولوژیک

اصطلاح ایدئولوژی که از دو کلمه‌ی لاتین «ایده» به معنای فکر و ذهن و «لوژی» به معنای شناخت تشکیل شده است؛ به صورت‌های گوناگونی معنا شده است. به طوری که اندیشمندان این واژه را به آرمان، دانش ایده‌ها، ماهیت و سرچشمه‌های آن، دکترین، مجموعه‌ای از ایده‌های ویژه‌ی سیستم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ... معنا کرده‌اند (ر.ک. بریجانیان، ۱۳۷۱: ۳۹۲).

اما «تحلیل‌گران سیاسی، امروزه ایدئولوژی را به گونه‌ای انتزاعی‌تر تعبیر و تفسیر می‌کنند. از دیدگاه آنان، ایدئولوژی مجموعه‌ای از اصول سازمان یافته است که برداشت‌های مختلف جهان را به ارزش‌های صریح اخلاقی پیوند می‌دهد. ایدئولوژی نه تنها معنی رویدادها را تعبیر و تفسیر می‌کند، بلکه ضرورت دگرگونی یا حفظ وضع موجود را مشخص می‌سازد. ایدئولوژی با تلفیق جنبه‌های تجربی و ارزشی، افراد را به روی آوردن به اقدامات سیاسی که تحقق یک برنامه برای پاسداری از یک جامعه یا دگرگون ساختن آن را به دنبال دارد، ترغیب می‌کند» (اپتر، ۱۳۸۰: ۴۹). بنابراین، می‌توان گفت که اصول ایدئولوژیک به نوعی فعالیت‌های سیاسی را هدایت کرده و محدوده‌ی اقتدار سیاسی و اولویت‌های سیاسی نظام اجتماعی را مشخص می‌سازد.

برای بررسی ایدئولوژی حاکم بر دوران دفاع مقدس، ابتدا ناگزیریم به ایدئولوژی انقلاب اسلامی پردازیم. تأثیر مستقیم انقلاب و ارزش‌های حاکم بر آن در ذهن و زبان مردم ایران و فاصله‌ی زمانی کوتاهی که بین پیروزی انقلاب و وقوع جنگ تحمیلی وجود دارد؛ ارتباط این دو حادثه و تأثیر انقلاب بر ساختار جنگ تحمیلی را کاملاً نمایان می‌سازد. بنابراین، ابتدا به بررسی جامعه‌شناختی انقلاب اسلامی می‌پردازیم:

به طور کلی جامعه‌شناسان، انقلاب را دگرگونی بنیادی می‌دانند. در واقع انقلاب، نقطه‌ی عطفی است که آشکارا خط زمان را به دو بخش کاملاً متفاوت تقسیم می‌کند. این دگرگونی اگر چه ممکن است آنی و ناگهانی به نظر برسد،

اما در اصل، نتیجه‌ی زمینه‌هایی است که به مرور، روند این پدیده را شکل داده‌اند (ر.ک. امین پور، ۱۳۸۴: ۳۷۱). برخی از مهمترین عوامل شکل دهنده‌ی ایدئولوژی انقلاب و جنگ عبارتند از:

۱-۲- تغییر در ساختار ارزش‌ها

انقلاب اسلامی بر اساس یک سلسله ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های خاص شکل گرفت. برجستگی جنبه‌ی دینی و مذهبی و تلاش برای بازگشت به ارزش‌های ناب اسلامی، ظلم ستیزی و حمایت از مظلومان در سرتاسر عالم، توجه به اخلاق اسلامی، تلاش برای هماهنگ کردن و همراه ساختن دین و سیاست و باورپذیر کردن امکان همراهی این دو مقوله با هم در اداره‌ی حکومت، برجسته کردن نقش روحانیت در جامعه و در تمام ابعاد زندگی و حکومت از جمله اجزاء تشکیل دهنده‌ی ایدئولوژی انقلاب اسلامی بوده است.

۲-۱-۲- منظومه‌ی فکری امام خمینی (ره)

منظومه‌ی فکری و اعتقادی امام خمینی (ره) را می‌توان موثرترین عامل شکل‌گیری گفتمان و هویت ملی بعد از انقلاب تلقی کرد. اصالت و حاکمیت ارزش‌های دینی و نقد تمدن جدید با تکیه بر ارزش‌ها، قطع کردن ریشه‌های استبداد، استعمار و استثمار، اعتماد و اتکا به خداوند و تقویت معنوی، مبارزه با جلوه‌های متنوع وابستگی و کسب استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... از جمله عناصر اصلی تشکیل دهنده‌ی منظومه‌ی فکری امام خمینی (ره) محسوب می‌شوند (ر.ک. اخوان مفرد، ۱۳۷۱).

۲-۱-۳- تحول در عناصر مذهب شیعه

مذهب تشیع نیز به عنوان پشتوانه‌ی دینی و مذهبی جامعه‌ی ایران، در جریان انقلاب و پس از آن نقش اساسی خود را در شکل دادن به ماهیت و ساختار گفتمان جامعه‌ی ایران ایفا کرد.

در حقیقت، تشیع دارای مفاهیم و نمادهایی است که در جریان انقلاب با ارائه‌ی قرائت‌های رادیکال و انقلابی تبدیل به ایدئولوژی مسلط در جریان بسیج مردمی ایران شد. اعتقادات خاص شیعه در زمینه‌ی عدالت اجتماعی، سیره و زندگی ائمه‌ی شیعه و تاثیر آن بر زندگی روزمره‌ی جامعه‌ی ایران، تاثیر حوادثی

از قبیل شهادت امامان شیعه به ویژه واقعه‌ی عاشورا و استمرار تاریخی آن در هویت دینی و جمعی ایرانیان، توانایی تغییر ایدئولوژیک در مذهب تشیع به دلیل وجود عناصری نظیر تقیه، شهادت، غیبت، انتظار، مهدویت، منجی‌گرایی و ... تعداد زیاد علمای شیعه و پراکندگی آن‌ها در داخل و خارج از کشور و عدم امکان کنترل آن‌ها توسط حکومت پهلوی و مقبولیت عام مذهب شیعه و در دسترس بودن آن در جریان بسیج نیروهای انقلابی از جمله مهمترین عوامل برجسته بودن مذهب تشیع در جریان شکل‌گیری ایدئولوژی انقلاب اسلامی می‌باشد.

نکته‌ی مهم در این بین تغییرات محسوسی است که در رهیافت‌های عملی نمادهای مذهب تشیع در ایران به وجود آمد. به طوری که نگاه به واقعه‌ی کربلا از یک گریستن صرفا انفعالی خارج شد و کربلا به یک جنگ واقعی برای تحقق ایده‌های آرمانی امام حسین (ع) تبدیل شد و تعهد به این ایده‌ها از یک حالت فردی خارج شد و ماهیتی اجتماعی یافت. تبدیل شدن امام علی (ع) به سمبل بناکننده‌ی حکومت عدل در نظام سیاسی آرمانی و نیز تحول در ساختار نظریه‌ی انتظار از دیگر جنبه‌های این تغییر به شمار می‌رود (ر.ک. اخوان مفرد، ۱۳۸۱: ۶).

۴-۱-۲- تغییر در طبقات اجتماعی ایران

تغییر در طبقه‌ی اجتماعی ایران پس از انقلاب نیز در شکل‌گیری ایدئولوژی پس از انقلاب حایز اهمیت است. طبقه‌ی اجتماعی به دسته‌هایی گفته می‌شود که در شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معینی ظاهر می‌شوند. بی‌تردید، انقلاب اسلامی نظیر بسیاری دیگر از تحولات اساسی اجتماعی در جهان، طبقات اجتماعی مختلفی را با خود همراه داشت. طبقاتی که از ارزش‌ها، خواست‌ها، آرمان‌ها و جهان بینی متفاوتی نسبت به گذشته برخوردار بودند. پس از انقلاب تزلزلی اساسی در ارزش‌های حاکم بر نظام اجتماعی پیش از انقلاب به وجود آمد. این تزلزل سبب دگرگونی اساسی در ارزش‌های جامعه شد. به عنوان مثال، طبقات مرفه و اشرافی، طبقات غیرمذهبی، طبقات فرهنگی متمایل به غرب و روشنفکران غرب‌گرا، طبقات متمایل به نظام سرمایه‌داری و ... بر اثر وقوع انقلاب با چالش‌های اساسی مواجه شدند و در مقابل طبقاتی در جامعه رشد و ارزش یافتند که دقیقا ویژگی‌های خلاف طبقات ذکر شده را دارا بودند و به تبع

آن تغییر و تحول در ارزش‌های فرهنگی و هنری در ایران بروز کرد. (ر.ک. سازگارا، ۱۳۷۷: ۱۲۷) در این سالها که می‌توان آن را دوره کاریزماتیک انقلاب اسلامی نامید، ایدئولوژی حاکم با نفی بی‌حد و مرز غرب و مدرنیته و مساوی دانستن نظام سرمایه‌داری غرب با بینش شیطانی و توطئه‌گری، مبارزه با غرب را به ابزاری سیاسی تبدیل کرد که این روند تقریباً تا پایان دوره‌ی جنگ تحمیلی به شکلی گسترده ادامه داشت (ر.ک. جهانگللو، ۱۳۸۱: ۱۲۵).

تمامی تغییر و تحولاتی که به آن‌ها اشاره شد، در گفتمان و ساختار فکری جامعه در دوران دفاع مقدس نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. به طوری که دامنه‌ی گسترده‌ای از اشعار دفاع مقدس را می‌توان زیر مجموعه‌ی گفتمان ایدئولوژیک محسوب کرد.

علاوه بر موارد فوق، جنگ تحمیلی، خود نیز عامل ایجاد ارزش و گفتمان ویژه‌ای بود. در حقیقت، جنگ، برخی دیگر از ارزش‌ها و آرمان‌های فکری را به موارد قبلی افزود و دامنه‌ی این ایدئولوژی را گسترده‌تر کرد. مبارزه با کفار و استکبار، ایشار و از خود گذشتگی در راه اعتلای ارزش‌های اسلامی و تلاش برای ارتقای نقش جهان اسلام، برجسته شدن نقش مهدویت در جامعه، مسأله‌ی شهادت و ... از جمله ارزش‌هایی بودند که با ادغام با ارزش‌های پیشین، مجموعه‌ای در هم تنیده و پیچیده از ارزش‌های متعلق به ایدئولوژی دفاع مقدس را پدید آوردند. ضمن اینکه هویت دینی و مذهبی جامعه‌ی ایران که به واسطه‌ی انقلاب اسلامی و گفتمان حاصل از آن جایگاه و جلوه‌ای تازه یافته بود، با آغاز جنگ تحمیلی و در تلفیق با هویت ملی ایرانیان، نوعی هویت اسلامی-ایرانی را برای گفتمان دفاع مقدس پدید آورد که در آن از ارزش‌های دینی و ملی نشانه‌های فراوانی می‌توان یافت.

علاوه بر ارزش‌های دینی نظیر ایمان، تقوا، شهادت، عاشورا، انتظار، طاغوت ستیزی و ... که در سطرهای پیشین از آن‌ها یاد شد؛ ارزش‌های ملی همچون تکیه بر حفظ کیان ایران زمین، دفاع از اقتدار ملی، حراست از تاریخ و فرهنگ ایران، ایجاد

وحدت بین اقوام مختلف و نكوهش اندیشه‌های جدایی طلبانه، جلوه‌هایی از هویت اسلامی- ایرانی گفتمان دفاع مقدس را ترسیم کرده‌اند (ر.ك. لك، ۱۳۸۴: ۱۱۱). البته باید به این نکته نیز توجه داشت که اگر چه تلفیق گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمان مختص به شرایط جنگ و همسو شدن ارزش‌های دینی و ملی، گستره‌ی این گفتمان در دوره‌ی دفاع مقدس را وسعت بخشید؛ اما از طرفی دیگر، به دلیل حاکم شدن شرایط جنگی و فوق‌العاده در نظام اجتماعی و سیاسی ایران، امکان رشد و گسترش خرده گفتمان‌های مخالف و یا حتی منتقد نیز در دوره‌ی هشت ساله‌ی جنگ تحمیلی چندان فراهم نشد. در حقیقت، ظهور یک دشمن خارجی باعث شد تا گفتمان حاکم به خرده گفتمان‌های کوچکتر در فضای سیاسی و اجتماعی کشور اجازه‌ی رقابت ندهد و با این وضعیت، زمینه‌ی حذف آن‌ها فراهم شود. بنابراین، در دوره‌ی دفاع مقدس علاوه بر گسترش گفتمان مسلط بر جامعه، به نوعی با محصور شدن و محدود شدن گفتمان اجتماعی نیز مواجه هستیم. جامعه‌شناسان، این پدیده‌ی اجتماعی را مداخله‌ی هژمونیک می‌نامند (ر.ك سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

با استناد به این مقدمات، اکثر قریب به اتفاق اشعاری که در سال‌های آغازین دفاع مقدس سروده شده‌اند، دارای بار ایدئولوژیک هستند و گفتمان انقلاب اسلامی بازتاب گسترده‌ای در شعر این دوره دارد. البته در این اشعار، گفتمان ایدئولوژیک خود بر اساس لحن کلام به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌شود:

۲-۲- لحن شعاری- شورانگیز

۲-۲-۱- درون مایه و محتوا

وقتی جنگ تحمیلی آغاز شد؛ شدت و اهمیت آن به قدری زیاد بود که بسیاری از شاعران تنها وظیفه‌ی خود را در قبال این واقعه، همراهی و همسو شدن با جامعه‌ی درگیر با این پدیده می‌دانستند. لذا در سال‌های آغازین جنگ تحمیلی تمام عناصر شعری در خدمت انتقال پیام جنگ بود و از این رو سروده‌های انقلابی به سرعت گسترش یافت. در این نوع اشعار، معمولاً وزن و پیام، تنها پایه‌های اصلی و تشکیل دهنده‌ی شعر محسوب می‌شوند و شاعر تنها به دنبال انتقال پیام

به مخاطب در سریع‌ترین و صریح‌ترین حالت است. بنابراین، پیچیده کردن کلام، بزرگترین آفت در راه رسیدن به این هدف محسوب می‌شود. در حقیقت، طبقه‌ای که شاعر به عنوان مخاطب اثر خود برمی‌گزیند، کل ساختار اجتماعی ایران یا به عبارتی کامل‌تر، ملت ایران است:

ای ظفر مندان خدا یار شما
پرتوان بازوی پیکار شما
آتش اندر جان خصم سفته زد
شعله‌ی تیغ علی وار شما
زد شرر در خرمن طغیان و کفر
برق دشمن سوز رگبار شما
ننگ باشد گر سلامت جان برد
دشمن پست سبکسار شما
سرور آزادگان در کربلا
چشم دارد سوی دیدار شما
بهر فتح آخرین اینک به پیش
ای ظفر مندان خدا یار شما

(محمود شاهرخی)

ترسیم افق‌های روشن پیروزی و آینده‌ی سرشار از امید و نوید، پایان شب و تیرگی و یأس، بالا بودن بسآمد شعار و عناصر شعار گونه و عدم توجه به معیارهای زبانی، استفاده از الفاظ مغایر با موازین ادبی در پاره‌ای مواقع، چیرگی عنصر احساس بر تعقل، عدم توجه به صنایع لفظی و معنوی، بیان روایی، ترکیب لحن محاوره و رسمی، حضور پدیده‌های امروزی، محدود بودن مضامین شعری و عدم تنوع در محتوا، بالا بودن عناصر بیگانه ستیزی، سرزنش اندیشه‌های روشنفکرانه، توجه گسترده به اندیشه‌های مذهبی و مضامین دینی و گرایش به توده‌های مردم از جمله ویژگی‌های درون مایه‌ی لحن شعاری- شورانگیز در گفتمان ایدئولوژیک می‌باشد (ر. ک. سنگری، ۳۴:۳۲).

۲-۲-۲- ساختار واژگانی

طبیعتاً در لحن و مضمون شعاری و شورانگیز، شاعر از واژگان و اصطلاحات خاصی برای به تصویر کشیدن فضای مورد نظر، استفاده می‌کند. اصطلاحات و واژگان وابسته به اندیشه و دیدگاه‌های انقلابی، واژه‌های مرتبط با پدیده‌ی جنگ، واژه‌های مذهبی و... دایره‌ی واژگانی گسترده‌ای را برای لحن مذکور پدید آورده است.

بنابراین، واژه‌های مرتبط با لحن شعاری- شورانگیز را می‌توان براساس بسآمد آن‌ها به انواع زیر تقسیم کرد:

• واژه‌های مرتبط با حوزه‌ی انقلاب، نظیر

امام، قیام، جهاد، ظالم، مظلوم، طاغوت، ایثار، بسیج، استعمار، استقلال، اتحاد، عدالت و ...

ای شهید جبهه و مظلوم دوران‌ها بسیجی

و ای به دل داغ هزاران لاله‌ی حمرا، بسیجی

(صمد قاسمپور)

* واژه‌ها و اصطلاحات نظامی، نظیر

سلاح، تفنگ، فشنگ، موشک، دشمن، حمله، هجوم، مصاف، شمشیر، خنجر، خون، آتش، رگبار، فتح، پیروزی، چفیه، مین، خمپاره، قمقمه، تیپ، گردان، لشکر، رزمنده، چریک، شیخون، سلحشور و ...

* واژه‌ها و نمادهای مرتبط با مذهب، نظیر

شهید، زیارت، ایمان، قیام، جهاد، لاله، ایثار، مهدی موعود، انتظار و ...
ایثار تکیه داده به دوش عصایان ایمان شکوفه‌ای به لب با صفایان

(علیرضا دهقانیان)

آه می‌کشم تو را با تمام انتظار

پر شکوفه کن مرا ای کرامت بهار

در رهت به انتظار، صف به صف نشسته‌اند

کاروانی از شهید، کاروانی از بهار

(علیرضا قرزوه)

ضمن اینکه ترکیب و همراه شدن واژگان مذکور با یکدیگر نیز پدیده‌ای بود که در شعر سال‌های آغازین جنگ تحمیلی به طور چشمگیری گسترش یافت. به گونه‌ای که ترکیب سازی را می‌توان یکی از ویژگی‌های بارز شعر این دوره تلقی کرد. در واقع، شاعران این دوره نوگرایی را بیشتر در ساخت ترکیبات نو جستجو می‌کردند و طبیعتاً ابزار کار آن‌ها نیز حجم گسترده‌ی واژه‌هایی بود که در حوزه‌ی انقلاب و جنگ تحمیلی وارد شعر آن‌ها شده بود. به عنوان مثال، نصرالله مردانی در دفتر شعر «خون نامه‌ی خاک» ۲۰۱ بار از واژه‌ی خون به صورت مستقل و یا در ترکیب با واژه‌های دیگر استفاده کرده است. عباراتی نظیر جشن خون، استخاره‌ی خون، طوفان خون، پروانه‌ی خون، مهتاب خون، نسیم خون، دیوانه‌ی خون، دروازه‌ی خون، ردای خون، سوره‌ی خون، قاتل خون، شاهین خون، گلدسته‌ی خون و ... از جمله ترکیباتی هستند که با دو بار معنایی مثبت و منفی، در این دفتر شعری استفاده شده‌اند (ر. ک. حسن لی، ۱۳۸۳: ۴۵۶).

۲-۲-۳- ساختار نحوی

همانطور که اشاره شد، لحن شعاری از زبانی تند، پویا و سرشار از باورهای اعتقادی تشکیل شده است. لذا در این نوع لحن، معمولاً از افعال معلوم، عناصر تأکیدی، جملات امری و صفت‌های تفضیلی و عالی برای ترجیح گفتمان خودی بر غیر خودی و تاثیر بیشتر کلام بر مخاطب استفاده می‌شود. استفاده از ساختارهای نحوی قاطع، شدید و تردید ناپذیر، استفاده از استفهام انکاری برای رسیدن به یک معنای قطعی با تاثیر پذیری بیشتر، استفاده از مترادفات و تغییر در جایگاه ارکان جمله نظیر تقدم مسند، تقدم صفت، تقدم مضاف و ... برای تأکید بیشتر پیام شعری، استفاده از افعال با صیغه‌ی مستقبل، آوردن فعل به ابتدای جمله و قرار دادن تکیه‌ی جمله بر روی فعل و استفاده‌ی زیاد از ضمیر اول شخص جمع برای نشان دادن اتحاد بیشتر از دیگر ابزارهای است که شاعر در لحن انقلابی از آن‌ها بهره می‌برد.

در این نوع گفتمان، افعال پویا و کنشگر هستند و ماهیت دینامیک به شعر می‌دهند. فرایندهای فعلی نظیر کوشیدن، جوشیدن، خروشیدن، مصاف کردن،

آب کردن، تراشیدن، فریاد کشیدن، خواندن، روییدن، آتش زدن، شرر زدن، گام نهادن و برخاستن تنها نمونه‌ی اندکی از ساختارهای فعلی کنشگر و فعالی هستند که در اشعار برخوردار از لحن شعاری- شورانگیز به کار رفته‌اند (ر.ک. فتوحی، ۱۳۸۸).

در پایان این بخش، لازم است به این نکته اشاره شود که اگر چه انتقال سریع و صریح پیام و محتوا به مخاطب، مهمترین هدف اشعار برخوردار از لحن شعاری- شورانگیز است؛ اما به مرور و با نزدیک تر شدن به سال‌های پایانی جنگ تحمیلی به دلیل کم تر شدن التهاب اجتماعی و شور انقلابی، تغییراتی در ساختار شعری و قدرت تصویر سازی شاعران برجسته برخوردار از این لحن نیز پدیدار شد. به طوری که دریافت عمیق تر و آگاهانه شاعر از مفاهیم سیاسی و اجتماعی، عرفان، مذهب و ... سبب شد تا آگاهی و شعور اجتماعی شعر دارای لحن شعاری- شورانگیز مسیری رو به رشد را از خود به نمایش بگذارد.

دست بر گردن پدر افکند	اشک‌هایش به گونه پرپر شد
آبی آسمان چشمانش	تیره شد، تار شد، مکدر شد
...کودک احساس کرد قلب پدر	پر تپش تر ز قلب دریاهاست
پدر احساس کرد قلب پسر	آفتاب زلال فرداهاست
مرد اندیشناک جبهه ی جنگ	ماشه و تیر و آتش افروزی
کی می آیی پدر؟ پدر خاموش	در دلش گفت: روز پیروزی

(محمد رضا عبدالملکیان)

جغرافیای ما/ بین درخت و دریا/ از اتفاقات سرخ استقبال می کند.

(نصرالله مردانی)

۴-۲-۲- لحن حماسی - ملی

۱-۴-۲-۲- درون مایه و محتوا

ماهیت جدال گونه‌ی فضای جنگ و تقابل دو جبهه‌ی خودی و غیر خودی در دوره‌ی مذکور، ضرورت وجود لحن و اندیشه‌ی حماسی را ایجاب می کرد. از این رو این قالب و لحن، خیلی سریع، در شعر دفاع مقدس بروز و رشد یافت.

این بخش از اشعار حماسی دفاع مقدس، بیشتر از نمادهای اسطوره‌ای و ملی موجود در فرهنگ و تمدن ایران زمین تاثیر پذیرفته است. شاعری که برخوردار از این لحن است، به دنبال تحریک عرق ملّی و حسّ میهن دوستی جامعه‌ی ایران است. شاعر با بهره گرفتن از نمادهای مثبت و منفی اساطیر ایران سعی می کند تا با خلق تصاویر حماسی و تحریک کننده به تشجیع رزمندگان خودی و تحقیر و تقبیح دشمن پردازد.

پوش جوشن آتش به تن سوار فلق / که در مصاف خسان چون شراره باید رفت

«نصرالله مردانی»

البته اشتراکات فراوانی میان لحن حماسی - ملی و لحن شعاری - شورانگیز وجود دارد. در واقع، در لحن شعاری نیز شاعر از نمادها و بافت کلام حماسی بهره می گیرد. اما می توان تفاوت هایی نیز میان دو لحن مذکور قایل شد. به طوری که در لحن شعاری - شورانگیز، حماسه بیشتر با نمادهای مذهبی و انقلابی آمیخته شده است، اما در لحن حماسی - ملی نمادها بیشتر اسطوره‌ای - ایرانی است. در این لحن، حتی در مواقعی که نمادها اسطوره‌ای نیست، باز هم نگاه شاعر بیشتر ملی است تا مذهبی:

دوباره می سازمت وطن اگرچه با خشت جان خویش

ستون به سقف تو می زنم اگرچه با استخوان خویش

(سیمین بهبهانی)

۲-۲-۴-۲- ساختار واژگانی

طبیعتاً در شعر دارای لحن حماسی - ملی طیف خاصی از واژگان، مورد استفاده قرار می گیرد. واژگان مربوط به نبردهای کهن، واژگان مربوط به نام‌ها و شخصیت‌های اسطوره‌ای - حماسی و اصطلاحات نظامی و جنگ افزارهای مربوط به دوره‌ی معاصر، طیف اصلی این واژگان را تشکیل می دهند. بنابراین، واژه‌های مورد استفاده در لحن حماسی - ملی را می توان به انواع زیر تقسیم کرد:

* واژگان مربوط به اشخاص و نمادهای اسطوره‌ای ایرانی، نظیر

۲۰۴ / بررسی جامعه شناختی گفتمان‌های شعر جنگ تحمیلی

سیمرغ، ققنوس، سام، رخش، دستان، اشکبوس، رستم، اسفندیاری، کوه
قاف، تهمتن و ...

رخش آتش پی بگو دستان آهن دل کجاست

اشکبوس تازه دارد کارزار سرنوشت

«نصرالله مردانی»

بار دیگر / پهنای شعله زار اساطیری / آغوش سرخ ایران / میدان آزمون
سیاوش است.

(بهمن صالحی)

• واژگان و اصطلاحات مربوط به نبردهای اسطوره‌ای - تاریخی، نظیر

زین، یراق، گرز، شمشیر، نیزه، سمند، کمند، خنجر، زره و ...

سمند ساعقه زین کن سواره باید رفت

به عرش شعله، سحر با ستاره باید رفت

«نصرالله مردانی»

* واژگان و اصطلاحات نظامی رایج در دوره‌ی شاعر، نظیر

تفنگ، فشنگ، اسلحه، رگبار، سلاح، آتش، جنگاور، سلحشور و ...

با قطار فشنگ بر شانه دست‌هایت تفنگ را ماند

گام‌هایت طنین حرمت خاک چشم‌هایت حماسه می خواند

(حسین اسرافیلی)

درشتی زبان و استفاده از واژه‌های خشن، استفاده از واژه‌های مهجور و
بازگشت به اصل برخی از واژه‌ها از جمله ویژگی‌های ساختار واژگانی لحن
مذکور است.

۳-۲-۲- ساختار نحوی

برخی از مهمترین ویژگی‌های ساختار نحوی شعر حماسی - ملی عبارتند از:

استفاده از ویژگی سبکی قدیم در پاره‌ای از مواقع، بر هم‌زدن سیاق معمول
کلام و ساختار نحوی جملات، استفاده از جملات امری و جملات پرسشی، تغییر

در تکیه‌ی کلام در جمله، استفاده از برخی ظرایف علم معانی نظیر، تحقیر و تعظیم مسند الیه، مسند و

پشت ستم می شکند قدرت پیکار شما

زهره زهم می گسلد غرش رگبار شما

(حمید سبزواری)

۵-۲-۲- لحن حماسی - عرفانی

۱-۵-۲-۲- درون مایه و محتوا

این بخش از گفتمان ایدئولوژیک تلفیقی از روح حماسی و عرفانی را در شعر دفاع مقدس شامل می‌شود. به طور کلی عرفان و عشق الهی، گذشتن از دنیا و تعلقات آن و پیوستن به ذات باری تعالی به عنوان یکی از اصلی‌ترین مفاهیم گفتمان ایدئولوژیک در سال‌های آغازین پس از انقلاب رشد و گسترش چشمگیری داشت. با شروع جنگ تحمیلی و اضافه شدن مفاهیمی نظیر شهادت، ایثار و از جان گذشتن در راه هدف الهی، مفاهیم عرفانی انقلاب ساختاری گسترده‌تر یافت و تلفیق دو مفهوم حماسه و عرفان در بسیاری از اشعار حماسی دفاع مقدس ساختار تازه‌ی حماسی-عرفانی به ادبیات این دوره بخشید.

نمادهای محوری اشعار حماسی-عرفانی معمولاً نور و ظلمت هستند. واقعه‌ی عاشورا نیز با تمام حواشی و مفاهیم پیرامون آن بخش قابل توجهی از بافت حماسی-عرفانی شعر دفاع مقدس را به خود اختصاص داده است (ر.ک. رحمدل، ۱۳۷۰).

علاوه بر امام حسین (ع) به عنوان اصلی‌ترین نماد حماسه دینی، یاران و نزدیکان ایشان نظیر: عباس (ع)، علی اکبر (ع)، زینب (س) و ... دست مایه‌ی خلق تصاویر حماسی و شهادت طلبانه‌ی بسیاری در شعر دفاع مقدس بوده‌اند. ارزش‌های برآمده از حماسه‌ی عاشورا نظیر مرگ سرخ سازش ناپذیر، عدم بیعت با ستم و ستمگران و اعتقاد به مبارزه به عنوان یک وظیفه‌ی دینی، ساختار بسیاری از اشعار مذکور را تشکیل می‌دهد (ر.ک. مکارمی نیا، ۱۳۸۴: ۶۲).

۲-۵-۲- ساختار واژگانی

علاوه بر واژگان و اصطلاحات مرتبط با جنگ، حضور گسترده‌ی واژگان مرتبط با دین و مذهب، واژگان مرتبط با نهضت عاشورا و واژه‌های عرفانی، مجموعه‌ی واژگانی گسترده‌ای را برای لحن حماسی - عرفانی پدید آورده است. مهمترین واژگان مورد استفاده در این لحن عبارتند از:

*** واژگانی که تداعی‌کننده‌ی مضامین حماسی‌اند، نظیر**

خون، خصم، وطن، میهن، ایران زمین، آرمان، یورش، هجوم، معرکه، نبرد و

...

تیغ در معرکه می افتد و بر می خیزد

رقص شمشیر چه زیباست بیا تا برویم

(ابوالقاسم حسین جانی)

*** واژگان و اصطلاحات نظامی، نظیر**

تفنگ، فشنگ، آتش، رگبار، سلاح، جنگاور، سلحشور و ...

*** واژگان مرتبط با نهضت عاشورا، نظیر**

کربلا، حسین (ع)، عباس (ع)، زینب (س)، علی اکبر (ع)، بین الحرمین، شهادت، علقمه، فرات، مرگ سرخ و ...

مردانه مردن را / قامت بستی / به زخم حسین (ع) / در ظهر عاشورا / و از این روست ای دوست / که خورشید / در هر غروب / به زخم ستاره گون شقیقه‌ات / اقتدا می کند. «سید حسن حسینی»

*** واژگان دارای بار عرفانی، نظیر**

عشق، معرفت، عاشق، معشوق، ولایت، زلف، خط، نرگس، یار، فراق، حیرت، شراب، ساقی، می، ازل، ابد، مستی، فنا، بقا، جذب، خلسه، تجلی، وصل، ساغر، درد، باده، دف، چنگ، رقص، پیر، مراد، مرید و ...

طبیعتاً برخی از واژه‌های مذکور، لزوماً دارای بار عرفانی نیستند و به واسطه‌ی قرار گرفتن در بافت عرفانی، معنای عارفانه می‌یابند.

((لا)) بود که کشته‌ی ولا بود شهید

((لا)) بود و الست را ((بلی)) بود شهید

با قامت واژگونه در خورش نیز

تصویر و تجسمی ز ((لا)) بود شهید

(قیصر امین پور- ۱۳۶۳)

وعده‌ی هشیاری ام صبح قیامت داده اند

ساقیا پروا مده از ساغر دیگر مرا

(بهمن صالحی)

*** واژگان دارای بار سمبلیک و اسطوره‌ای، نظیر**

تهمت، سیمرخ، رخس، ققنوس و ...

از هر رگ تو تهمت عشق صد دجله گشوده در میانه

(عباس باقری)

۶-۲-۲- لحن نوستالژیک

۱-۶-۲-۲- درون مایه و محتوا

این بخش از گفتمان ایدئولوژیک، بیشتر مربوط به سال‌های پایانی دفاع مقدس است. در این سال‌ها، شعر، عمق و ژرفای بیشتری یافت و از خاصیت شعارگونه‌ی آن کاسته شد. جامعه‌ی ایران که چند سال جنگ تحمیلی را تجربه کرده است، حال با درک و تأمل بیشتری به این پدیده می‌نگرد. شاعر مضامین و تصاویر بسیاری در عرض این چند سال در اختیار داشته است و اکنون با مرور خاطرات پشت سر گذاشته شده، به بازخوانی و یادآوری تصاویر دفاع مقدس می‌پردازد.

برخی از مضامین اصلی لحن نوستالژیک عبارتند از:

*** حسرت**

مانند حسرت بازماندن از کاروان شهدا و نداشتن توفیق شهادت، حسرت دور افتادن از دوستان و یاران هم‌رزم، حسرت پایان پذیرفتن جنگ و...

چه زخم لاف رفاقت، نه غمم چون غم توست

نه از آن گرم‌دلی هیچ نشانی است مرا

(ساعد باقری- ۱۳۶۵)

* آرزو

مانند آرزوی دیدار شهدا، آرزوی ادامه‌ی جنگ، آرزوی دیدار اماکن مقدسه، آرزوی رسیدن به درجه‌ی شهادت و ...
اگرچه نیت خوبی است زیستن اما خوشا که دست به تصمیم دیگری بزنیم
«قیصر امین پور»

ای تیغ سرخ زخم کجا می روی چنین محض رضای عشق، مرا انتخاب کن
«سلمان هراتی»

* یاد کرد

مانند یاد کرد شهدا، خاطرات خوش پیروزی‌ها، عملیات‌های نظامی، اماکن تاثیرگذار در دوران جنگ، ارزش‌های انقلاب و فضای انقلابی سال‌های آغازین جنگ تحمیلی و ...
بشکوه بشکوه بشکوه یاد شهیدان که رفتند
اندوه اندوه اندوه سهم من و تو که ماندیم
(سهیل محمودی)

* احساس دین نسبت به

شهیدان، ارزشهای انقلاب، پیشوای انقلاب، ارزش‌های دینی و اعتقادی و ...

* توصیف

مانند توصیف حال و هوای جبهه، شهدا، جانبازان، اسرا، خانواده‌های شهدا، رزمندگان و ...

دلم برای جبهه تنگ شده است / چقدر جاده‌های هموار کسالت آورند / از یکنواختی دیوارها دلم می‌گیرد / می‌خواهم بر اوج بلندترین صخره بنشینم / آن بالا به آسمان نزدیکترم / و می‌توانم لحظه‌های تولد باران را پیش بینی کنم.
«خلوت بعد از تشییع / سلمان هراتی»

۲-۲-۶-۲- ساختار واژگانی

محدوده‌ی واژگان مورد استفاده در این لحن بیشتر شامل واژگان مربوط به عملیات جنگی، واژگان مربوط به مناطق جنگی، اسامی شهیدان و هم‌زمان میدان

جنگ، واژگان مرتبط با اماکن مقدسه واقع در کشور عراق، واژگان مرتبط با ارزش‌های اصلی انقلاب اسلامی، واژگانی که ساختار توصیفی دارند، واژگان مرتبط با امام خمینی و ... می باشد.

۲-۲-۷- لحن معترض [به تضعیف ارزش‌ها]

۲-۲-۷-۱- درون مایه و محتوا

در سال‌های پایانی دفاع مقدس، فرسایشی شدن جنگ تحمیلی و فاصله گرفتن نظام اجتماعی ایران از فضای ملت‌ه‌ب و اضطرابی سال‌های آغازین جنگ، سبب شد تا خاطره‌ی جنگ تا حدودی در بین بخشی از جامعه کم رنگ شود. از طرفی دیگر، زندگی و حواشی آن مردم جامعه را تا حدودی از فضای جنگ دور می کرد. این مسئله به نوعی عکس العمل برخی از شاعران دفاع مقدس را به همراه داشت. معمولاً شاعرانی که از جنگ تحمیلی به عنوان خاطره ای دلنشین یاد می کردند و از طرفی دیگر از روحیه‌ی حساسی برخوردار بودند، بیش از سایرین تحت تأثیر این فضا قرار گرفتند و عکس العمل این شاعران یا کشیده شدن به انزوا بود و یا زبان گشودن به اعتراضی که معمولاً با یک طنز تلخ در زبان شاعر همراه می شد. این طنز تلخ نیز دقیقاً به دلیل همان ترسی است که شاعر از فراموش شدن ارزش‌ها و مبانی فکری و ایدئولوژیک در جامعه دارد و این ترس از بی عدالتی و فراموشکاری است که شاعر را وادار می کند تا به تعبیر خود از حربه‌ی «زخم زبان» استفاده کند:

من فکر می کنم شاعری زخم زبان می خواهد / نه معانی نه بیان می خواهد /
شاعر یعنی موی دماغ سیاست بازان / شاعری که با خیال راحت می خوابد / اصلاً
شاعر نیست. «مولا ویلا نداشت / علیرضا قزوه»

شاعر برخوردار از این لحن احساس می کند طبقه‌ی اشرافی، مخالف انقلاب و گریزان از جنگ و بی توجه به گرایش‌های نوین مذهبی سعی دارد تا دستاوردهای انقلاب را از طبقه‌ی صاحب انقلاب و مدافع جنگ و مستضعف بگیرد و این دستاوردها را نابود کند. بنابراین، در این نوع اشعار به طور کلی با تقابل دو طبقه‌ی اجتماعی و دو نگرش فکری و سیاسی متفاوت روبرو هستیم.

مخاطب در اینگونه اشعار معمولاً یک ایرانی انقلابی معتقد به ارزش هاست و دایره‌ی فکری شاعر نیز همین ارزش‌ها و ایدئولوژی است که ساختار انقلاب را شکل داده است. از این رو شاعر دارای لحن معترض[به تضعیف ارزش‌ها] را می‌توان (دل‌واپس ایدئولوژی)) نامید. البته گه‌گاه دامنه‌ی فکری شاعر از ارزش‌های ایدئولوژیک فراتر رفته و به نوعی موقعیت انسان قرن بیستم را به نقد می‌کشد:

امروز در روزنامه خواندم ته سیگارهای چرچیل را / به قیمت گزافی فروختند /
دیروز در باغ وحش شمانزه ای دیدم که به نظریه‌ی داروین فکر می‌کرد.

«از آسمان سبز - سلمان هراتی»

برخی از مهمترین درون مایه‌های لحن معترض[به تضعیف ارزش‌ها] عبارتند

از:

* اعتراض به

سکوت جهانی، دگرگونی ارزش‌ها، تجمل‌گرایی و دنیا طلبی، بی‌دردی، فرصت طلبان و ریاکاران و ...
اریستوکراسی با جلیقه‌ی مخمل / به پله‌های سازمان ملل / بار انداخته است /
به دنیا برگ زیتون تعارف می‌کند.

«از آسمان سبز - سلمان هراتی»

* گلایه و شکوه از

شاعران سکوت کرده، فریبکاری، زندگی تکراری، خالی شدن میدان پس از شهدا و ...

* تحذیر و هشدار نسبت به

فراموشی شهدا، فراموشی ارزش‌های انقلاب، فراموشی روزهای جنگ، فراموشی آرمان‌های شهیدان و دلجویی از فرزندان شهدا، عافیت طلبی، عواقب از خود بیگانه شدن، بی‌توجهی به طبقات محروم، رواج تملق و چاپلوسی، از یاد رفتن روح ایثار، سوء استفاده‌ی مرفهین بی‌درد از شرایط موجود و ...

هشدار که باغ، شوره زاران نشود این خانه مکان لاشخواران نشود
میراث گرانبار شهیدان هشدار بازیچه‌ی خیل بی‌تباران نشود

(سید حسن حسینی - ۱۳۶۳)

از خانه به خیابان / خیابان هاشمی / خیابان مأنوس / خیابان سلام دل‌ها /
خیابان صمیمیت سلام‌ها / خیابان بار عاطفی کلمات / خیابان خانه‌های کوچک /
خیابان دل‌های بزرگ / خیابان خانواده‌های نه سرعائله / خیابان خانوارهای شش
نفر شهید / خیابان صبر / خیابان سنگر / خیابان سرفراز / خیابان سربزیر / خیابان
بی‌ادعا / خیابان ریشه‌دار / خیابان مستقل / خیابانی که هیچ‌گاه پیتزا را به خود
نپذیرفته است / خیابانی که مبل در آن نمایشگاهی ندارد / و ساندویچ فروشی‌هایش /
همیشه در غربت و کسالت زندگی کرده‌اند.

(محمد رضا عبدالملکیان)

در این شعر، خیابان هاشمی نماد طبقه‌ای از جامعه است که هنوز به
دستاوردهای انقلاب پایبند هستند و گذر زمان آن‌ها را از هویت ملی برآمده از
انقلاب دور نساخته است. شاعر برای توصیف این استقامت از واژه‌هایی نظیر
ریشه‌دار، مستقل، سرفراز و بی‌ادعا استفاده کرده است.

آن‌ها طبقه‌ای از جامعه هستند که با وجود پرداختن بیشترین بها در جریان
حوادث و مشکلات پیش روی انقلاب، سعی کرده‌اند همچنان ارزش‌های
ایدئولوژیک خود را حفظ کنند. در نقطه‌ی مقابل، خیابانی را می‌توان تصور کرد
که نشانه‌ها و نمادهای مدرنیسم نظیر پیتزا، ساندویچ و مبل، آن را از اصالت و
ریشه‌های فرهنگی خویش دور ساخته‌اند. اینها نمادهایی از نظام سرمایه‌داری‌اند
که به زعم شاعر در حال رسوخ کردن در نظام ارزشی انقلاب هستند و از این رو
شاعر مخاطب را از گرفتار شدن در دام چنین ضد ارزش‌هایی برحذر می‌دارد.

مسئلاً مرزبندی گفتمان ایدئولوژیک بر اساس لحن‌هایی که از آن‌ها یاد
شد، یک مرزبندی مطلق نیست. زیرا می‌توان اشعاری را در نظر گرفت که از دو یا
چند لحن مذکور به طور همزمان برخوردارند. اما به هر صورت برای تقسیم‌بندی
کلی اشعار ایدئولوژیک بر اساس نگاه اجتماعی شاعر به پدیده‌ی جنگ و لحن
مورد استفاده در شعر، می‌توان یک مرزبندی و تفکیک نسبی قایل شد. ضمن
اینکه در اشعاری که از دو یا چند لحن مذکور به طور همزمان برخوردارند، نیز
می‌توان یک لحن را برجسته‌تر از سایرین و لحن غالب قلمداد کرد.

۲-۳- گفتمان انسانی - انتقادی

آثار سروده شده توسط شاعران برخوردار از این گفتمان معمولاً نشأت گرفته از دو دیدگاه و نگاه عمده نسبت به حوادث مختلف دهه‌ی اول پس از انقلاب اسلامی است: ۱- نگاه فلسفی و انسان‌شناسانه به پدیده‌ی جنگ ۲- نگاه انتقاد- آمیز به ایدئولوژی حاکم بر ایران پس از انقلاب.

۱-۳-۲- نگاه فلسفی و انسان‌شناسانه به پدیده‌ی جنگ

۱-۳-۲-۱- درون مایه و محتوا

این گفتمان مختص شاعرانی است که به پدیده‌ی جنگ تحمیلی با نگاهی عمیق‌تر می‌نگرند. در این نوع اشعار، شاعر با رویکردی فلسفی به مقوله‌ی جنگ نگاه می‌کند. لذا او در جنگ تحمیلی توقف نمی‌کند، بلکه از آن فراتر رفته و ارزش‌ها و پیام‌های انسانی را هدف و مقصود شعر قرار می‌دهد. دوری از خشونت، پرهیز از کشتار، صلح‌خواهی و فلسفه‌ی آشتی‌جویی و بخشایش‌گری و عشق‌یکسان به همه‌ی انسان‌ها انگیزه‌ی برخی از شاعران صاحب‌نگاه فلسفی و انسان‌شناسانه است. به عنوان مثال، نگاه سیمین بهبهانی به پدیده‌ی جنگ و ابراز انزجار او از این پدیده‌ی شوم انسانی و ناراحتی او از کشته شدن انسان‌ها در هر دو سوی جبهه‌ی جنگ و هشدار دادن به مخاطب نسبت به تبعات و عواقب شوم این پدیده، نشأت گرفته از نگاه انسانی این شاعر به جهان پیرامون و عشق ورزیدن او به تمام بشریت است. این نگاهی است که برخی از شاعران مطرح دفاع مقدس در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی به آن نایل شدند.

برخی از آثار شاعرانی نظیر قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، محمدرضا عبدالملکیان، نصرالله مردانی و بخش قابل‌توجهی از اشعار سیمین بهبهانی (به خصوص دفتر دشت ارژن) جزء گفتمان فلسفی و انسانی محسوب می‌شوند. به عنوان مثال، بررسی شعر قیصر امین‌پور حد فاصل سال‌های (۱۳۵۹-۱۳۶۴) و (۱۳۶۴-۱۳۶۷) به خوبی تفاوت نگرش ایدئولوژیک با نگرش فلسفی و انسانی را نمایان می‌سازد. امین‌پور در سال‌های آغازین جنگ تحمیلی همگام با دیگر

شاعران برخوردار از لحن انقلابی همگان را به مبارزه با دشمن و جنگی تمام عیار دعوت می‌کند:

دیگر «سلاح سرد سخن» کار ساز نیست / باید سلاح تیزتری برداشت
اما این شاعر در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی از مبهم بودن فلسفه‌ی جنگ و تبعات و عواقب زیان بار آن در هر شرایطی (چه شکست و چه پیروزی) سخن می‌گوید:

می‌خواستم / شعری برای جنگ بگویم / شعری برای شهر خودم دزفول /
دیدم که لفظ ناخوش موشک را باید به کار برد / اما موشک / زیبایی کلام مرا می‌کاست / گفتم که بیت ناقص شعرم / از خانه‌های شهر که بهتر نیست / بگذار شعر من هم / چون خانه‌های خاکی مردم / خرد و خراب باشد و خون آلود
(شعری برای جنگ - قیصر امین پور)

۲-۱-۳-۲- ساختار واژگانی و نحوی

در این نوع گفتمان ساختار زبان، کنش پذیر و منفعل است. بسآمد بالای فعل‌های مجهول، فعل‌های لازم یک شخصه، حذف فعل به قرینه‌ی لفظی و معنوی و استفاده از افعال ربطی از جمله نشانه‌هایی هستند که می‌توانند بافت شعر را منفعل و تاثیر پذیر کنند. ورود واژه‌های غیرمتعارف و نامانوس به شعر، مفاهیم نمادگونه و سمبلیک، استفاده از طنزهای تلخ برای تاثیرگذاری بیشتر و درگیر کردن ذهن مخاطب با پیام و محتوای شعر و توجه شاعر به صنایع لفظی و معنوی و تصویرسازی‌های شاعرانه از جمله ویژگی‌های ساختار زبانی نگاه فلسفی و انسانی است.

وقتی به فرایندهای فعلی نظیر بی اختیار بودن، بی مقصد بودن، بر باد رفتن، خاموش بودن، مات بودن، سرگردان بودن، مردن، نشستن، ندانستن، پاشیده شدن، خالی بودن، تاییدن، گم شدن، کاسته شدن، شکسته شدن و ... که تنها نمونه‌ی اندکی از فرایندهای واژگانی این گفتمان است، نگاه می‌کنیم؛ کنش پذیری و منفعل بودن گفتمان مذکور بیشتر نمایان می‌شود. آشنایی زدایی، نوآوری در ساختار و محتوا، تقدس قایل نشدن برای جنگ، بالا بودن عنصر عاطفه در شعر،

واژه‌سازی و استفاده از ترکیبات تازه از دیگر ویژگی‌های شعر متعلق به نگاه فلسفی و انسانی است.

این آشنایی زدایی به خصوص در دفتر (خطی ز سرعت و از آتش) اثر سیمین بهبهانی کاملاً مشهود است. اگرچه برخی از اشعار سیمین بهبهانی حد فاصل سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۷ ه.ش پایگاه ایدئولوژیک دارند؛ اما بخش اعظمی از اشعار او از روئایی که ایدئولوژی در آن جای گرفته، فزونی یافته و در خاستگاهی و رای ایدئولوژی سیر می‌کنند. از این رو اشعار وی به عنوان بخشی از شعور اجتماعی جامعه‌ی ایران، بیش از آنکه اعلامیه‌ی ایدئولوژیک باشند، سفارش نامه‌ی اجتماعی‌اند. این اشعار که سرشار از عواطف انسانی و بیان دردهای اجتماعی هستند، ساختاری مردم‌دوستانه دارند تا اسطوره پرستانه و همین خصیصه است که شعر بهبهانی را در جایگاهی انسانی قرار می‌دهد (ر. ک. رئیس دانا، ۱۳۸۵: ۱۴۵ به بعد).

بی اختیار و بی مقصد بر باد رفته این خاشاک
خاموش و مات و سرگردان بی گور مانده این مرده
یک جفت اشک و نفرین را، سرباز مرده پوتین را
آویز کرده بر گردن، بندش به هم گره خورده
گفتم که چیست این معنی، خندید و گفت فرزندم
طفلك نشسته بر دوشم، پوتین برون نیاورده

«سیمین بهبهانی، ۱۳۶۷»

۲-۳-۲- نگاه انتقاد آمیز به ایدئولوژی حاکم

۱-۲-۳-۲- درون مایه و محتوا

گفتمان انسانی- انتقادی در کلام برخی دیگر از شاعران دوره‌ی دفاع مقدس می‌تواند نشأت گرفته از مخالفت آن‌ها با تمام یا بخشی از ایدئولوژی حاکم بر ایران پس از انقلاب باشد. این مخالفت سبب شده است تا شاعران مذکور به جنگ به عنوان پدیده‌ی برآمده از انقلاب و محصول انقلاب بنگرند. لذا کمتر احساس همدلی و همراهی با جامعه در قبال جنگ در ذهن و زبان این شاعران به

چشم می خورد. گویی آن‌ها چندان دل خوشی از حوادث رخ داده در چند سال اول پس از انقلاب ندارند. برخی از شاعران در دوران پیش از انقلاب، خود، مبارز بوده و در حبس و حصر بسر می برده‌اند، اما در دوره‌ی بعد از انقلاب نیز در سلك منتقدان قرار گرفتند. برخی از اشعار انتقاد آمیز منصور اوجی، شمس لنگرودی، احمد شاملو، رضا براهنی، وحید امیری و ... را می‌توان در زمره‌ی این نوع گفتمان قلمداد کرد. نوعی به سر بردن در بیم و امید، بازگشت به گذشته، مرور تاریخ و حافظه‌ی تاریخی ملت ایران، درون گرایی، ابراز نگرانی نسبت به سرنوشت میهن، برشمردن داشته‌های قبلی و بیان تجربه‌های گذشته برای نسل تازه به دوران رسیده، توجه به داشته‌های ذهنی و اسطوره‌ای فرهنگ ایران زمین، به همراه نوعی بیان نوستالژیک و زبان پخته و سنگین - که البته در پاره‌ای اوقات صلابت خود را از دست داده و نگرانی و اضطراب بدان رسوخ پیدا می‌کند- و واقع نگری نسبت به حوادث پیرامون از جمله ویژگی شعر متعلق به این گفتمان است.

معمولاً لحن کلام این گونه اشعار با نوعی تحقیر جبهه‌ی جنگ (چه در جناح خودی و چه غیر خودی) همراه است و به نظر می‌رسد با نوعی عناد و دشمنی با ایدئولوژی حاکم بر جامعه از سوی شاعر روبرو هستیم.

آن روزها که نور / در جیره بندی بود / آیا کسی تشر زد / به شاعران فربه
روزگار / از شب سرودن / از مرگ گفتن / دیگر بس است؟

«منصور اوجی»

چه جوانانی! اسماعیل می بینی؟ / چه جوانانی / بسیارشان هنوز صورت عشق
را به سینه نفشده اند / و موهای صورت پسرها هنوز در نیامده / اگر چه زیر قرآن
رد شده‌اند، قلبشان می تپد «رضا براهنی»

از زنده‌ها / تنها دو سگ / از طول رودخانه گذر می‌کنند / در صبح زود / و
جای پایشان گم می‌شود / در مه / و جای پای من / و جای پای مرغک سقا / آه /
تنها دو سگ / از زنده‌ها «منصور اوجی»

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که پرداختن به فجایع جنگ و آسیب‌های اجتماعی آن، موضوعی است که تنها مختص به شعر دارای گفتمان انسانی-انتقادی نیست؛ بلکه در گفتمان ایدئولوژیک نیز گاهی شاعر به آسیب‌شناسی جنگ می‌پردازد. اما یک تفاوت ظریف در این بین به چشم می‌خورد. در شعر دارای لحن ایدئولوژیک، حتی اگر شاعر از فجایع جنگ و آسیب‌های اجتماعی آن سخن می‌گوید، باز هم مقصود او نشان دادن عظمت روح و ایمان و پایداری مردم و رزمندگان در برابر دشمن است.

به عنوان مثال، قیصر امین پور در شعر «شعری برای جنگ» بعد از بیان اندوه‌ها و آلام مردم درگیر در جنگ و به تصویر کشیدن فجایع رخ داده، در بندهای بعدی شعر از بیان این آلام اینگونه نتیجه می‌گیرد:

ایستاده اند فاتح و نستوه / بی هیچ خان و مان / در گوششان کلام امام است /
فتوای استقامت و ایثار / بر دوششان درفش قیام است / باری / این حرف‌های داغ
دل‌م بود / دیوار هم توان شنیدن نداشته است / آیا تو را توان شنیدن هست؟! / دیوار /
دیوار سنگی بسیار / آیا رواست مرده بمانی / در بند آنکه زنده بمانی!؟ /

در حالی که در لحن معترض به ایدئولوژی، هدف شاعر صرفاً ارائه‌ی یک تصویر انزجارآمیز از جنگ و تخریب و تضعیف آن است. به عنوان مثال، در این شعر شمس لنگرودی، کشته شدن سرباز در جنگ مساوی است با پاک شدن نام او از حافظه تاریخی مردم و نابود شدن وی:

او را می‌آورند / بی چکمه و بی کلاه / بارانی سرد / پاییزی چاک چاک / و
مردی خمیده که در باران پیر می‌شود / کودکی اش / بر صخره‌ی شفافی ایستاده،
نگاهش می‌کند / کوچه‌ها و خیابان‌ها به شگفتی در یکدیگر می‌نگرند و / نامش
را در خاطر ندارند.

۳- نتیجه‌گیری

به واسطه‌ی ظهور آثار هنری (از جمله ادبیات) در یک بستر اجتماعی، می‌توان از یک نوع کنش متقابل بین آثار ادبی و پدیده‌های اجتماعی سخن گفت. از این

رو در بررسی یک مقطع زمانی خاص، آثار ادبی متعلق به دوره‌ی مذکور از توانایی بالایی برای انعکاس گفتمان‌های مختلف حاصل از پدیده‌های اجتماعی برخوردارند. دوره هشت ساله‌ی دفاع مقدس به عنوان یکی از مهمترین دوران پس از انقلاب، بستر مناسبی برای ایجاد تحولات و گفتمان‌های مختلف اجتماعی پدید آورده است. به طور کلی، بازتاب این تحولات در شعر دفاع مقدس را می‌توان به دو گفتمان ایدئولوژیک و انسانی-انتقادی تقسیم کرد. در گفتمان ایدئولوژیک، آنچه بیش از هر چیز نمایان است، جایگاه ایدئولوژی و ارزش‌های حاصل از انقلاب و جنگ تحمیلی در این نوع گفتمان است. تغییر ساختار ارزش‌ها، منظومه‌ی فکری امام خمینی (ره)، تحول در عناصر مذهب تشیع و تغییر در طبقات اجتماعی ایران از جمله مهمترین نتایج ایدئولوژی انقلاب است که بازتاب گسترده‌ی آن در شعر دفاع مقدس به چشم می‌خورد. این گفتمان بر اساس لحن کلام به انواعی نظیر لحن شعاری-شورانگیز، لحن حماسی-ملی، لحن حماسی-عرفانی، لحن نوستالوژیک و لحن معترض (به تضعیف ارزش‌ها) تقسیم می‌شود. اما در گفتمان انسانی-انتقادی با نگاهی متفاوت و بیشتر انسان‌شناسانه و ساختارشکنانه به پدیده‌ی جنگ رو برو هستیم. در این گفتمان، دیگر صحبت از تقدس جنگ و تکریم آن نیست. بلکه شاعر بیشتر با دیدی عاطفی و ترحم برانگیز به پدیده‌ی جنگ و عواقب آن می‌نگرد. ضمن اینکه مخالفت برخی از شاعران در گفتمان مذکور با تمام یا بخشی از ایدئولوژی حاکم بر ایران پس از انقلاب، سبب شده است این شاعران با نگاهی تحقیر آمیز به پدیده‌ی جنگ تحمیلی بنگرند و جنگ را محصول ایدئولوژی حاکم قلمداد کنند.

کتابنامه

۱. اپتر، دیوید و اندی چارلزاف، **اعتراض سیاسی و تغییرات اجتماعی**، مترجم محمد رضا سعید آبادی، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
۲. آشفته، امیر، **جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی**، ارمغان، ۱۳۷۸.
۳. اخوان مفرد، حمیدرضا، **ایدئولوژی انقلاب اسلامی**، پژوهشکده‌ی امام خمینی، ۱۳۸۱.

۴. _____، (جایگاه اندیشه‌ی امام خمینی در گفتمان تجدد، نامه‌ی پژوهش، شماره‌ی ۷، زمستان ۱۳۷۱).
۵. ادیبی سده، مهدی، جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی، سمت، ۱۳۷۹.
۶. امین پور، قیصر، سنت و نوآوری در شعر معاصر، علمی فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۷. بریجانیان، ماری، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، ویراسته‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی، ۲ مجلد، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، جلد ۱، ۱۳۷۱.
۸. بوتول، گاستون، جامعه‌شناسی جنگ پوئولویزی، ترجمه فریدون سرمد، معین، ۱۳۷۰.
۹. بهبهانی، سیمین، خطی ز سرعت و از آتش، زوار، ۱۳۶۰.
۱۰. پرند آور، ایوب، غبارعطش، امیدآزادگان، تهران، ۱۳۷۷.
۱۱. جهانگللو، رامین، موج چهارم، نی، ۱۳۸۱.
۱۲. حسن لی، کاووس، گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، ثالث، ۱۳۸۳.
۱۳. رحمدل، غلامرضا، «حماسه در شعر انقلاب»، مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، سمت، ۱۳۷۰.
۱۴. رئیس دانا، فربرز، گفت‌آمدهایی در شعر معاصر ایران، دیگر، ۱۳۸۵.
۱۵. زهیری، علیرضا، انقلاب اسلامی و هویت ملی، زلال کوثر، ۱۳۸۱.
۱۶. سازگارا، پروین، نگاهی به جامعه‌شناسی (با تأکید بر فرهنگ)، کویر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
۱۷. سلطانی، علی اصغر، قدرت، گفتمان و زبان، نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.
۱۸. سنگری، محمدرضا، «شعر انقلاب اسلامی»، مجله‌ی شعر، ش ۳۴.
۱۹. عابدی، کامیار، در روشنی باران‌ها، کتاب نادر، تهران، ۱۳۸۱.
۲۰. فتوحی، محمود، (سه صدا، سه رنگ، سه سبک در شعر قیصر امین پور)، مجله‌ی ادب پژوهی، ش ۵، ۱۳۸۸.
۲۱. لک، منوچهر، (هویت ملی در شعر دفاع مقدس)، مجله‌ی مطالعات ملی، ش ۶، ۲، ۱۳۸۴.
۲۲. مکارمی نیا، علی، بررسی شعر دفاع مقدس، ترفند، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۲۳. هراتی، سلمان، از آسمان سبز، حوزه‌ی هنری، ۱۳۶۴.